

کنکاشی در مبانی فقهی مهریه

طیبه کامل مقدم

دانش آموخته کارشناسی ارشد حقوق زن در اسلام (رشته مطالعات زنان) دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات تهران.

نام نویسنده مسئول:

طیبه کامل مقدم

چکیده

پژوهش حاضر به بررسی نقش هوش بازاریابی و سرمایه رابطه‌ای مدیران بر فرآیند خرید مشتریان در شرکت شیر پاستوریزه پگاه همدان پرداخت. پژوهش حاضر از لحاظ هدف کاربردی و از منظر روش جزء تحقیقات همبستگی و از منظر شیوه گردآوری داده‌ها یک تحقیق کمی می‌باشد. جامعه آماری این پژوهش مشتریان و کارکنان شرکت شیر پاستوریزه پگاه همدان در سال ۱۳۹۶ می‌باشند که تعداد کل کارکنان شرکت شیر پاستوریزه پگاه همدان ۵۵ نفر و تعداد مشتریان (مدیران فروشگاه‌ها، مغازه‌ها، سوپرمارکت‌ها و عمده فروش‌ها) ۱۴۸۰ نفر می‌باشند. در این پژوهش نمونه آماری با توجه به جامعه آماری و با استفاده از جدول مورگان و کرجسی با روش تصادفی ساده برای مشتریان به تعداد ۳۰۶ نفر و کارکنان به تعداد ۴۸ نفر برآورد گردید که کل حجم نمونه در این پژوهش ۳۵۴ نفر بودند. ابزار اندازه‌گیری هوش بازاریابی پرسشنامه ۳۵ سوالی گرای و همکاران (۲۰۰۷)، سرمایه رابطه‌ای پرسشنامه ۱۸ سوالی بارتون (۱۹۹۰) و فرآیند خرید مشتری پرسشنامه ۱۴ سوالی ربیعی و همکاران (۱۳۹۰) بود. نتایج به دست آمده نشان داد که هوش بازاریابی و سرمایه رابطه‌ای مدیران بر فرآیند خرید مشتریان تاثیر مثبت و معنی داری دارند.

واژگان کلیدی: مبانی فقهی، مهریه، حقوق خانواده.

مقدمه

یکی از حقوقی که زنان بواسطه عقد ازدواج بر مردان پیدا می کنند، مهریه است. به مهریه، صدق گفته می شود. یعنی هدیه ای از روی صداقت به محبوب برای اثبات صداقت در محبت و احترام به او. این کار به چگونگی خلقت و آفرینش زنان هم مربوط است. بدین معنی که زنان چنان آفریده شده اند که «مهر پذیر» باشند. مهریه، مالی است که مرد بایستی به مناسبت عقد نکاح به زن بپردازد. با توجه به شواهد فراوانی فقهی به نظر می رسد که مهر نقش عوض را ندارد و همینطور اهرم بازدارنده طلاق نیست بلکه هدیه ای شرعی با اهدافی معنوی از قبیل تکریم زوجه است. و مقتضای سمحه و سهله بودن شرع اسلام این است که مهر در مسیر تسهیل نکاح و آرامش زندگی تشریح شده باشد و آنچه اکنون رایج است از اصل شرع دور شده است و بایستی به اصل خود برگردد. مهر یکی از نهادهای پذیرفته شده در شریعت اسلام است و چون حقوق اسلام اهمیت فراوانی برای نکاح قائل شده است مهر را از لوازم آن عقد شناخته است. می توان قرآن، سنت، عقل و اجماع را مهمترین مبنای اثبات آن در عقد نکاح دانست.

بر اساس دین مبین اسلام بخشی از احکام فقهی مربوط به روابط بین افراد است که جنبه اجتماعی دارد. روابط عقد ازدواج نیز یکی از این روابط اجتماعی محسوب می شود. و یکی از موضوعاتی که در این بخش از احکام فقهی مورد بحث قرار گرفته، مهریه است. از جمله اهداف اسلام در تعیین مهر برای دختر یا زن به هنگام ازدواج بزرگداشت مقام زن، تکریم، ایجاد پشتوانه مالی و اقتصادی، کمک به حفظ و استقرار علقه زوجیت و استحکام خانواده و به وجود آوردن مانع برای جدایی و طلاق و از هم پاشیدگی این هسته مقدس می باشد. قرآن در قسمتی از آیه شریفه سوره نساء «لا تعظوهن لتذهبوا ببعض ما ایتیموهن الا.....» (سوره نساء، آیه ۱۸) می فرماید «قسمتی از آنچه مهر زنان گردید به جور از آنها مگیرید». الزام مرد به پرداخت مهریه ریشه قراردادی ندارد و تابع اراده زوجین نیست. بلکه تکلیفی است که به حکم قانون بر مرد تحمیل می شود و به همین جهت سکوت زوجین نسبت به مهر یا حتی توافقشان بر نکاح بدون مهریه تعهد مرد را به تملیک مهر به نفع زن از بین نمی برد. شارع مقدس در مقابل پرداخت مهریه از جانب زوج، زوجه را موظف به تمکین کرده و به منظور امکان ادامه حضور زوجه در منزل زوج و توانایی انجام وظایف خویش (تمکین) زوج را موظف به پرداخت نفقه دانسته است و در واقع عقد نکاح، عقدی مبتنی بر مشارکت مرد و زن به منظور ادامه زندگی با یکدیگر نیست بلکه صرفاً نوعی رابطه حقوقی است مبتنی بر تمکین و پرداخت مهریه و به همین دلیل در خطبه عقد ازدواج زن مرد را خطاب قرار داده و می گوید؛ «نفس خویش را در مقابل مهریه معلوم (که از قبل تعیین شده) به نکاح تو درمی آورم» و مرد قبول می کند (عظیم زاده اردبیلی، ۱۳۸۰).

بر این اساس پژوهش حاضر درصدد آن است که یک مطالعه تطبیقی از مبانی فقهی و عرفی مهریه در بین شیعه و اهل سنت ارائه دهد تا از این رهگذر، مسئله ی مهریه روشن تر گردد.

۱- مهریه از دیدگاه قرآن

اگر چه در قرآن کریم به مهریه با همین لفظ اشاره نشده است اما آیات زیادی در قرآن موجود است که دلالت بر تائید مهر از سوی شارع مقدس دارد و می توان آن آیات را نخستین و مهمترین مبنای اثبات مهریه در عقد نکاح دانست. از جمله می توان به آیات زیر اشاره کرد.

در آیه ۴ سوره نساء مهر را یک عطیه الهی می داند و خداوند بخاطر اینکه زن حقوق بیشتری داشته باشد و ضعف نسبی او از این راه جبران گردد و به طور کامل اداء شود (طباطبایی، ۱۳۸۶).

و اینکه مهرهای زنان را به به عنوان عطیه ای از جانب خداوند به آنان بپردازید چرا که خداوند متعال استمتاع را بین زن و مرد مشترک قرار داده و پس از آن برای زن در مقابل استمتاعی که از وی می شود مهری را به عهده زوج نهاده است بنابراین مهر عطیه ای از جانب خداوند برای زنان محسوب می شود (طبرسی، ۱۳۸۸).

همچنین در آیه ۲۳۶ سوره بقره «لا جناح علیکم ان تطلقتم النساء» باکی برای شما نیست اگر طلاق دهید زانی را که با آنان مباشرت نکرده و مهری مقرر نداشته اید ولی آن ها را به چیزی بهره مند سازید. دارا به قدر خود وندار به قدر خویش به بهره شایسته او که سزاوار مقام نیکوکاران است. در این آیه خداوند متعال مردانی را که به حقوق زنانشان توجه داشته اند و آنرا به موقع و حتی بدون ابراز از طرف زن می پردازند با اعلام آمادگی برای پرداخت آن می کنند را از نیکو کاران بر شمرده است و در ادامه در آیه بعد خداوند متعال در باره زانی که عقد کرده اند اما هنوز باکره هستند می فرماید: خداوند در آیه ۲۳۷ سوره بقره می فرماید: و اگر زنهایی را طلاق دهید بیش از آنکه با آنها مباشرت کرده باشید در صورتی که بر آنان مهر مقرر داشته اید بایستی نصف مهری را که تعیین کرده اید به آنها بدهید مگر آنکه آنها خود یا کسی که امر نکاح بدست اوست از آن حق در گذرند و اگر در گذرند به تقوی و خداپرستی نزدیک تر است و فضیلتهایی که در نیکویی به یکدیگر است. پس فراموش نکنید و بدانید که خداوند به هر کار نیک وید شما آگاه است (طباطبایی، ۱۳۸۶).

از این قسمت آیه استفاده می شود که زن در صورتی که به عقد شوهر در آمده باشد چه بخواهد و به او تمکین کند و چه نخواهد صاحب نصف مهریه تعیین شده است. مگر آنکه از شوهرش جدا شود و مهریه خویش را ببخشد. خداوند متعال در ادامه آیه فرموده اند: مگر اینکه آنان خود مهریه را ببخشند یا کسی که اختیار عقد به دست اوست (اولیای دختر) ببخشند.

همچنین از این قسمت آیه شاید بتوان فهمید که منظور خداوند متعال این است که چنانچه به هر دلیلی دختر و پسر در دوران عقد به این نتیجه رسیدند که واقعا نمی توانند با هم زندگی کنند و قرار شد از هم جدا شوند بهتر است نصف مهریه بخشیده شود. ادامه آیه موبد این مطلب است و گذشت کردن شما به تقوا نزدیکتر است و در بین خود بزرگواری و گذشت را فراموش نکنید. به عبارت دیگر حالا که این دو نفر نمی خواهند با هم زندگی کنند چه خوب است که برای هم در دسر درست نکنند. مثلا زن مهریه سنگین خود را به اجرا بگذارد و مرد هم از طلاق دادن او خوداری کند و اینکار باعث هدر رفتن آبرو و مال آنها شده و باعث ضررهای جبران ناپذیر روحی و روانی طرفین گردد.

«لِرَجَالٍ قَوْمُونَ عَلَى النِّسَاءِ بِمَا فَضَّلَ اللَّهُ بَعْضُهُمْ عَلَى بَعْضٍ وَبِمَا أَنْفَقُوا مِنْ أَمْوَالِهِمْ» (نساء: ۳۴)؛ مردان مسئولیت سرپرستی زنان را بر عهده دارند؛ زیرا خداوند برخی را (به خاطر توانایی‌های جسمی و ارادی) بر برخی دیگر برتری بخشیده و نیز به دلیل آنکه (معمولاً مردان) از اموال خود (برای خانواده) هزینه می‌نمایند.

در این آیه، یکی از فلسفه‌های پرداخت مهریه از جانب مرد به زن (یعنی توانایی جسمی و ارادی بیشتر مرد از زن) مورد توجه قرار گرفته است. و به همین دلیل، مردان مأمور به پرداخت نفقه و مهریه گردیده‌اند. و این چیزی بر خلاف رویه حاکم در غرب است؛ زیرا در غرب زنان باید مهریه را پرداخت کنند. این درست عکس فطرت بشری است؛ چراکه زن مجبور است سالیان متمادی را برای جمع‌آوری مهریه به کار و تلاش بپردازد و چنانچه موفق به این کار نگردد ممکن است دچار انحراف و بردگی جنسی شود. این عمل بدون شک کرامت و شخصیت زنان را زیر سؤال خواهد برد (زحیلی، ترجمه سلیمی، ۱۳۸۵).

صریح ترین و روشن ترین آیه از میان آیات مذکور در ظاهر آیه ۴ سوره ی نساء است. به همین جهت عمده مباحث مطرح شده از سوی مفسران در خصوص مهر بر محور آن تجمع یافته است از این آیه موارد زیر مستفاد می شود:

- ۱-جوب پرداخت مهریه زنان (واتوا لنساء صدقاتهن) که کلمه صدقات جمع صدقه به معنای مهر است.
- ۲-زنان مالک مهریه خویش هستند (واتوا لنساء صدقاتهن)
- ۳-استقلال مالی زن در نظام خانواده (واتوا لنساء صدقاتهن)
- ۴-لزوم پرداخت مهریه به خود زن نه به فرد دیگری. از این که فرمود (واتوا لنساء صدقاتهن) و نفرمود (و واتوا صدقات النساء) معلوم می شود که مهریه زنان را باید به خود آنان پرداخت نه به پدر یا برادر و... برخلاف آن چه در جاهلیت مرسوم بوده است.
- ۵-مهریه، مهریه ای از سوی مردان به همسران خویش است کلمه «نحله» به معنای عطیه و هبه بدون عوض است.
- ۶-مهریه دینی برای زنان بر عهده مردان است «نحله» بنا به گفته برخی مفسران به معنای فریضه است که در برداشت پیشین از آن به دین تعبیر شده است زیرا فریضه ی مالی در حقیقت دین است.
- ۷-لزوم پرداخت مهریه با رغبت و به دور از هر گونه منت و چشم داشت باشد.
- ۸-زن می تواند بخشی از مهریه خویش را به همسرش ببخشد (فان طبن لکم عن شیء منة نفسا)
- ۹-حرمت تصرف شوهران در مهریه زنان بدون جلب رضایت کامل از آنان (واتوا لنساء صدقاتهن..... فان طبن لکم عن شیء منة نفسا)
- ۱۰-تعیین مهریه در عقد ازدواج، از اسباب مالکیت (واتوا لنساء صدقاتهن)
- ۱۱-هبه، از اسباب مالکیت (فان طبن لکم عن شیء منة نفسا فكلوه) کنایه از استیلائی کامل یعنی مالکیت است.
- ۱۲-رضایت مالک، شرط جواز تصرف دیگران در اموال زن (فان طبن لکم عن شیء منة نفسا فكلوه هنیاً مریاً)
- ۱۳-مالی که زن از مهریه خویش به شوهر می بخشد برای او حلال و گوارا است.
- ۱۴-سفارش خداوند به زنان به عدم بخشش تمامی مهریه خویش به همسران خود (فان طبن لکم عن شیء منة نفسا فكلوه) با توجه به (من) تبعیضیه به نظر می رسد مطرح ساختن بخشش، برخی از مهریه و تصریح به آن اشاره به این دارد که سزاوار نیست زنان تمامی مهریه ی خویش را هبه کنند.
- ۱۵-شوهر مجاز به استفاده از دارایی زن در صورت رضایت خاطر وی است (فان طبن لکم عن شیء منة) امام صادق (ع) یا امام کاظم (ع) در پاسخ سوال از آیه پیشین فرمودند «اموالی که در اختیار داشته و ملک آن ها محسوب می شود».
- ۱۶-سرپرست زن، از گرفتن مهریه برای خویشتن ممنوع است (واتوا لنساء صدقاتهن). امام باقر (ع) در باره آیه فرمودند مخاطب آیه اولیای زن هستند آنچه عادت بر این بود آکه هنگام ازدواج اولیای ذکور زن صدق او را دریافت می کردند و خداوند ایشان را از این عمل نهی کرده است (هاشمی رفسنجانی، ۱۳۸۳).

در این آیه رضایت طرفین در تعیین مقدار مهریه اصل مسلم تلقی گردیده است. بدین سان زن نمی تواند بیش از آنچه که مورد رضایت واقع شده است از مرد مطالبه نماید و مرد نمی تواند کمتر از آن مقدار، به زن پرداخت کند این رضایت هم می تواند پیش از تحقق مهریه و هم پس از تحقق عقد به وجود آید.

۲- مهریه در روایات اسلامی

با توجه به آیات قرآنی فوق مشروعیت مهردر نکاح مبنای قرآنی دارد اما علاوه بر آیات قرآنی روایتی نیز نقل نشده است و خود پیامبر اکرم (ص) برای خود مهر تعیین می نمود و ازدواج بدون مهر نداشت این عمل پیامبر (ص) دلیل بر تأیید مهر از سوی ایشان است و به اقتضای بحث به روایاتی به شرح زیر اشاره میشود (حرعاملی، ۱۳۹۵). صحیح الکلابی در پاسخ این سوال که مهر چیست فرمود آنچه مردم بر آن تراضی کردند. عبید بن زراره بیان نمودند: رسول خدا (ص) مهر زنان خود را دوازده ونیم اوقیه یعنی پانصد درهم قرار داد (طوسی، ۱۳۹۱). حضرت برای ازدواجهای خود و حتی دختران خود نیز همین مقدار را برای مهریه تعیین می کردند، چنان که مهریه حضرت فاطمه (س) و دیگر دخترانش همچون زینب و رقیه نیز معادل همین مقدار بود (ابن کثیر، بی تا). گزاره های متعددی میزان مهریه حضرت فاطمه (س) را معادل مهر السنه یا همان پانصد درهم بیان کرده اند. این میزان بنا بر نظر پیامبر اکرم (ص) تعیین و صرف خرید جهیزیه برای دختران صرف می شد. سیره پیامبر اکرم (ص) چه در عمل و چه در گفتار چنان که می فرماید «مهرها را سنگین نگیرید که این مایه عداوت و دشمنی است» پیامبر اسلام (ص) فرمودند «خداوند هر گناهی را در روز قیامت می بخشد مگر گناه عدم پرداخت مهر زن» (حرعاملی، ۱۳۹۵).

در کتاب شریف وسائل الشیعه روایات متعددی موجود است که حکایت از عدم تحدید مهر می کند. به عنوان نمونه روایت منقول از امام صادق (ع) در مورد میزان مهریه: «ما تراضیا علیه من قلیل او کثیر فهو مهر»؛ «مهریه عبارت از آن چیزی است که بر آن تراضی شود کم باشد یا زیاد. همچنین امام صادق (ع) فرمودند: «مردی که زنی را به نکاح خویش در آورد و قصد عدم پرداخت مهر را داشته باشد زنا کرده است (همان منبع).

و نیز فرمودند عذاب قبر از سه طایفه زنان برداشته شد و با حضرت فاطمه (س) دختر پیامبر محشور خواهند شد. زنی که بر غیرت ورزی شوهرش «احتمالاً سو ظن های شوهر نسبت به خود» صبر کند - زنی که در مقابل اخلاق ناپسند شوهرش شکیبیا باشد و زنی که مهر خود را به همسرش ببخشد خداوند به هریک از آن ها ثواب هزار شهید اعطا کرده و برای هر یک ثواب یک سال عبادت منظور می فرماید - لازم به ذکر است صاحب جواهر در اهمیت مهر در آیات و روایات به مواردی اشاره نموده است که از جمله آن که خود نشان از اهمیت مهر از منظر پیامبر اکرم (ص) می باشد و ایشان در اهمیت مهر در قرآن به آیه ۴ سوره نساء اشاره فرموده است لازم به ذکر است که ایشان علاوه بر آیه مذکور به آیات دیگر نیز اشاره فرموده است که اهمیت آیه مذکور به مهر بیشتر از دیگر آیات است.

همچنین روایت منقول از امام رضا (ع): «لو ان رجلاً تزوج امراه و جعل مهرها عشرين الفاً و جعل لابیها عشرة الفاً کان المهر جائزاً و الذی سماه لأبیها فاسداً»؛ «اگر مردی با زنی ازدواج کند و مهریه ی وی را بیست هزار سکه قرار دهد و برای پدرش ده هزار، مهر زن صحیح بوده و آنچه برای پدر قرار داده شده فاسد است». علی رغم اعتقاد اکثریت فقها بر محدود نبودن مهر ایشان به استناد احادیثی از معصومین (ع)، از جمله روایتی از امام باقر (ع) که فرمود: «من برکه المراه قلت مهرها و من شؤمها کثرت مهرها»؛ «از برکت زن کمی مهر او و از شومی وی کثرت مهر اوست» همچنین روایتی از حضرت رسول (ص) که فرمود: «افضل نساء امتی جیاداً اقلهن مهرأ»؛ «بهترین زنان امت من زنانی هستند که کمترین مهر را دارند»، قائل به کراهت مهر زیاد و استحباب مهر کم هستند و تأکید می کنند بهتر است زنان با اتکاء به سنت حضرت رسول (ص) در تعیین مهریه سخت گیری نکنند. اما در هر حال در فقه امامیه میزان مهریه با محدودیت همراه نیست و طرفین می توانند هر میزان مهری که بخواهند برای زن تعیین نمایند (همان منبع).

۳- میزان مهریه از دید گاه فقهاء

در فقه امامیه دو نظر در خصوص مقدار مهریه موجود است:

الف- برخی بر این عقیده اند که میزان مهر نباید بیشتر از مهرالسنه یعنی پانصد دینار باشد. ایشان در توجیه ادعای خود ضمن استناد به روایت مفضل از امام جعفر صادق (ع) که می گوید از حضرت در مورد مقدار مهریه ی زن که نباید از آن تجاوز گردد سؤال کردم. ایشان فرمودند: «سنت محمدی ۵۰۰ درهم است پس کسی که بیشتر از آن مهریه تعیین کند، به سنت پیامبر بازگشت داده می شود و ملزم به پرداخت بیش از ۵۰۰ درهم نیست» (حرعاملی، ۱۳۹۵)، چنین استدلال می کنند چون سنت حضرت رسول (ص) بر این بوده که مهریه ی زنان خود را ۵۰۰ درهم قرار دهد و با توجه به اینکه مهر هم تابع احکام شرع است، پس در صورتی که مهریه بیشتر از آنچه گفتیم تعیین

شود، چون اجماعی بر اینکه مازاد جزء مهریه تلقی شود وجود ندارد و دلیل شرعی دیگری نیز در این خصوص نیست، نفی زیاد از ۵۰۰ درهم واجب می‌شود (سیدمرتضی، ۱۹۹۴).

ب - برخلاف این نظر که اقلیتی از فقهای امامیه به آن قائل‌اند، اکثر فقهاء شیعه عقیده دارند که برای مهریه حداکثری وجود ندارد. دلایل ایشان برای اثبات این ادعا بدین شرح است :

در قرآن، آیهی بیستم سورهی نساء می‌فرماید: «و ان اردتم استبدال زوج مکان زوج و آتیتم قنطارا فلا تأخذوا منه شیئاً. تأخذونه بهتناً و اثمأً مبیناً»؛ «اگر خواستید زنی را رها کرده و زنی دیگر اختیار کنید و مال بسیاری مهر او کرده‌اید، نباید چیزی از مهر او را پس بگیرید. آیا با تهمت زدن به زن مهر او را می‌گیرید؟ و این گناهی آشکار است». منظور از قنطار مال عظیم است و اینکه خداوند فرموده است که مهریه‌ی زنان را اگر بسیار زیاد هم باشد بپردازید، دلالت بر آن دارد که برای تعیین مهریه حد و مرزی وجود ندارد. چرا که اگر غیر از این بود، خداوند پرداخت مهریه را تا حد معین واجب می‌فرمود و بدین صراحت مرد را از باز پس‌گیری مهریه‌ای که تعیین کرده صرف‌نظر از میزان آن منع نمی‌فرمود.

شان نزول آیه : پیش از نزول اسلام رسم بر این بود که اگر می‌خواستند همسر سابق را طلاق گویند و ازدواج جدیدی کنند برای فرار پرداخت مهر همسر خود را به اعمال منافی عفت متهم می‌کردند و بر او سخت می‌گرفتند تا حاضر شود مهر خویش را که معمولاً قبلاً دریافت می‌شد بپردازد و طلاق بگیرد و همان مهر را برای همسر دوم قرار می‌دادند. آیه فوق به شدت از این کار زشت جلوگیری کرده و آن را مورد نکوهش قرار می‌دهد (نجفی، ۱۴۱۴) و (جبل عاملی، ۱۳۸۵).

اجماع مسلمانان از زمان صحابه تاکنون مهر را به عنوان یکی از آثار عقد ازدواج تکلیفی به نفع زن برعهده مرد قرار داده است اما همانگونه که گفتیم مهر نهادی نیست که از ابداعات حقوق اسلامی باشد، بلکه قبل از اسلام این نهاد در میان ملل مختلف اعم از دیندار و بی‌دین رایج بوده است و اسلام هم با اصلاحاتی آنرا پذیرفته است (شبلی، ۱۹۹۸).

دین اسلام به عنوان کامل‌ترین دین همه نیازهای بشر را بر آورده می‌کند اما آنچه اهمیت دارد و از آن غفلت می‌شود این است که احکام اسلام یک مجموعه است که باید با یکدیگر و هماهنگ اجرا کرد. اگر در روایات کم بودن مهریه توصیه شده است در قرآن امساک به معرف یا تسریع به احسان واجب گردیده است.

در باره مهریه ذکر این نکته نیز ضروری است که هم در ازدواج دائم و هم در ازدواج موقت مهریه باید باشد حتی اگر در ازدواج دائم مهریه ای تعیین نشده باشد. در مسله ۲۰۶۸ رساله توضیح المسائل در این باره آمده است : مرد باید مهریه زن را مطابق معمول زنهایی که مثل او هستند بدهد. سپس در مسله بعدی آمده است : در صورتی که مدتی برای دادن مهریه در هنگام عقد معین نشده باشد زن حق دارد مهریه خود را فوراً بخواهد و حتی می‌تواند بیش از گرفتن مهریه از نزدیکی کردن شوهر و عروسی جلوگیری کند مگر اینکه عدم توانایی اوقربنه به این باشد که مهر از اول بر ذمه بوده و نه بصورت نقدی .

ماده ۱۰۸۰ ق.م. نیز به تبعیت از مشهور فقهای امامیه می‌گوید: "تعیین مهر منوط به تراضی طرفین است." ولی برخی از فقهای امامیه برای مهریه قائل به حد شده‌اند. کلام شیخ مرتضی و نیز ظاهر کلام ابن جنید و ابن بابویه در الفقیه دال بر این است که مهر تعیینی از سوی زوجین نباید از مهر السنه تجاوز نماید و اگر تجاوز نماید مابه التفاوت مهر تعیینی و مهر السنه باطل است .

مهر السنه در واقع مهری است که پیامبر(ص) برای دختر گرامیش حضرت فاطمه (س) تعیین کرده است که مقدار آن ۵۰۰درهم معادل ۵۰دینار است . شیخ مرتضی در این خصوص ادعای اجماع نموده است. در مقابل ، مشهور فقها معتقدند که نمی‌توان برای مهر حدی در نظر گرفت و برای این قول دلایل ذیل را می‌آورند :

دلیل قرآنی ایشان همان آیهی ۲۰ سورهی مبارکه‌ی نساء است که اکثریت فقهای شیعه به آن استناد کرده‌اند و دلیل نامبردگان از سنت نیز روایتی از خلیفه‌ی دوم است که ایشان با دیدن زیاده‌روی مردم در تعیین میزان مهریه تصمیم گرفت میزان مهریه را مشخص و مقرر کند که هیچ‌کس حق تجاوز از این میزان را نداشته باشد تا اینکه امکان ازدواج آسان فراهم شود. هنگامی که مردم را به این امر دعوت کرد، زنی وی را مخاطب قرار داده و اظهار نمود: «تو در حالی که خداوند که می‌فرماید: "و ان اردتم استبدال زوج مکان زوج و آتیتم قنطارا فلا تأخذوا منه شیئاً، تأخذونه بهتناً و اثمأً مبیناً" را تلاوت می‌کنی، چنین حکمی را صادر نمایی.» عمر با شنیدن این استدلال گفت: «عمر خطا کرد و این زن درست می‌گوید» (بدران، ۱۴۱۰)

در معنی آیه می‌فرماید: "اگر خواستید همسری به جای همسر خود برگزینید و به یکی از ایشان به اندازه قنطار هم دادید از او چیزی نگیرید"

قنطار به معنای مال و ثروت زیاد است. راغب نیز در مفردات می‌گوید: اصل قنطار از "قنطره" به معنای پل است و چون اموال زیاد همچون پلی هستند که انسان در زندگی می‌تواند از آنها استفاده کند، از این حیث به آن قنطار گفته‌اند. لذا آنچه از آن مستفاد است این است که برای مهر حدی نیست و حتی اگر اندازه آن بسیار باشد نباید از ادای آن امتناع نمود مگر آنکه خارج از توان زوج باشد .

همچنین در احادیث زیادی نیز آمده است که "المهرما تراضی علیه الناس قليل او كثير" که این حدیث نیز دال بر این مطلب است که حصری برای مهر وجود ندارد. اگر چه برخی از روایات هستند که دال بر کراهت غلو در مهر می باشند، ولی صرفاً حکم تکلیفی را بیان نموده و منجر به حکم وضعی نمی گردد.

در هر حال این امر مسلم است که نمی توان حدی از جهت مقدار برای مهر قائل شد اگر چه همانطور که گفته شد می توان از باب توان انجام تعهد از سوی زوج، محدودیتی برای مهر تعیینی از سوی طرفین در نظر گرفت و در واقع حکم مقدور التسلیم بودن مورد تعهد حاکم بر تراضی طرفین خواهد بود، همانطوری که مالیت داشتن مورد تعهد، حاکم بر مهر تعیینی از سوی طرفین است. با این اوصاف فقهای اهل سنت نیز مانند فقهای شیعه به استناد روایاتی از حضرت رسول (ص) که فرمودند: «بهترین مهریه، کمترین آن است» یا «با برکت‌ترین نکاح، کم‌مهرترین آن است»، بر استحباب کم بودن مهریه تأکید کرده و مهریه‌ی زیاد را مکروه می‌شمارند (متولی الموثی، ۱۳۸۵).

در کلیه‌ی مذاهب اهل سنت فقها بر فقدان حداکثری مهریه متفق‌القولند. همه‌ی فقهای اهل سنت معتقدند، نه تنها هیچ دلیلی نه در قرآن و نه در سنت بر محدودیت میزان مهریه وجود ندارد؛ بلکه دلایلی موجود است که به زوجین اختیار می‌دهد میزان مهریه را با تراضی به هر مقدار که مایل‌اند تعیین کنند (انوری، ۲۰۰۲).

در آیه ۲۳۶ سوره بقره تفسیر چگونگی ادای مهر در ادامه احکام طلاق در این آیه احکام دیگری بیان شده است. ابتدا می‌گوید گناهی بر شما نیست اگر زنان را قبل از آمیزش و تعیین مهر طلاق دهید البته این در صورتی است که مرد و زن پس از ازدواج و قبل از عمل زناشویی متوجه شوند که به جهاتی نمی‌توانند با هم زندگی کنند و چه بهتر در این مرحله از هم جدا شوند چون بعداً کار مشکل‌تر می‌شود. فاضل مقداد ذیل این آیه می‌گوید: آیه دلالت صریح بر صحت عقد دائم بدون ذکر مهر دارد که به آن تفویض بضع یا مهر می‌گویند. آیه دلالت بر تملک مهر تعیین شده توسط زن به مجرد عقد دارد چون در آیه به فریضه تعبیر شده است (حلی، ۱۴۲۵).

در آیه ۲۳۷ سوره بقره ابتدا حکم قانونی مسله را بیان می‌کند که به زن حق می‌دهد نصف تمام مهریه را در در آیه ۲۳۷ سوره بقره ابتدا حکم قانونی مسئله را بیان می‌کند که به زن حق می‌دهد نصف تمام مهریه را بدون کم و کاست بگیرد هر چند آمیزش حاصل نشده باشد. ولی بعداً به سراغ جنبه‌های اخلاقی و عاطفی می‌رود و می‌فرماید (مگر اینکه آنها حق خود را ببخشند). بنابراین حکم پرداخت نصف مهر صرف نظر از مسله عفو و بخشش است. این آیه دلالت بر احکام ذیل دارد:

۱- نصف شدن مهر بوسیله طلاق (قبل از آمیزش)

۲- زنان مهر خود را ببخشند مرد لازم نیست چیزی بدهد و مراد از عفو هبه است اگر مهر عین باشد یا ابراء است اگر مهر دین باشد.

۳- چنانچه زن می‌تواند حش را ببخشد. ولی زن نیز می‌تواند آنرا ببخشد که مراد از ولی پدر یا جد نسبت به صغیر است (همان

منبع).

معمولاً مهمترین دلیل در ارتباط با احکام فقهیه کتاب و سنت هستند و لکن عقل و اجماع هم بعنوان دو دلیل مهم بعنوان منبع استنباط احکام مورد توجه قرار می‌گیرند. همچنین در صورت عدم وجود یکی از ادله چهارگانه فوق می‌توان به اصول عملیه همانند اصالة البرائة (الاباحة)، اصالة التخییر، احتیاط و استصحاب هم استناد نمود.

الف) کتاب: آیه‌ای که دلالت بر جواز ازدواج موقت می‌کند و در آن شیعه و حتی بسیاری از اهل سنت اتفاق نظر دارند آیه ۲۴ از سوره نساء است که در ذیل آن می‌فرماید: "فما استمتعتم به منهن فاتوهن اجورهن فریضة". «پس آنچه که به سبب آن از زنان استمتاع نمودید، اجر و مهریه آنان را به آنان بپردازید که بر شما واجب است».

ب) سنت: در ارتباط با سنت، چه سنت قولی و یا تقریری آنقدر روایات و اخبار فراوان است که مرحوم علامه طباطبائی (ره) ادعای تواتر یا استفاضه این روایات را کرده، می‌فرماید: "والروایات فی المعانی السابقة (جواز نکاح التعة) مستفیضة او متواترة عن ائمة اهل البيت". (بدین معنی که روایات در جواز نکاح متعه از ائمه معصومین (ص) بحد استفاضه و یا تواتر رسیده است).

با نگاه کلی به فقه شیعی نشان می‌دهد که موارد اندکی وجود دارد که سلسله موضوعات و پاسخ‌های آن به مسائل خاص دست کم با پاسخ‌های یک یا چند مکتب اهل سنت موافقت نداشته باشد و حتی در مواردی که چهار مکتب غالب سنی جملگی و بالاجماع با فقه شیعی مخالفند این باور وجود دارد که گاه برخی از نخستین فقهای اهل سنت از آموزه‌های فقه شیعه جانبداری کرده‌اند. بدین سان باید گفت که بویژه در زمینه عبادات مسائل اندکی وجود دارد که موجب تشخیص فقه شیعه از فقه سنت باشد و در مورد موضوع مهریه در نکاح دائم می‌توان گفت از بین مذاهب چهارگانه فقهای شافعی به فقهای شیعه نزدیکتر می‌باشد و اختلاف عمده بین مذاهب چهارگانه و مذهب شیعه در مورد مهریه در نکاح موقت می‌باشد که شیعه نکاح موقت را قبول دارد ولی فقهای اهل سنت آن را منسوخ می‌دانند.

۴- ادله ی فقهی استقرار مهر

با توجه به تعریفی که از مهر صورت گرفته است مهر حقی است مالی که شارع در عقد ازدواج صحیح یا دخول شبهه یا بعد از عقد فاسد پرداخت آنرا از جانب مرد واجب گردانیده است (ابن قدامه، ۱۴۰۹). از این تعریف چنین استنباط می شود که مهر لازم است و این لزوم به مرد ارتباط دارد و با یکی از دو امر ذیل استقرار می یابد:

۱- مجرد عقد: که در ازدواج صحیح انجام گرفته باشد به دلیل قول خداوند که می فرماید (و احل لکم ما وراء ذلکم ان تبتغوا باموالکم) (نساء/ ۲۴) "وهر زنی غیر آنکه ذکر شد شما را حلال است که مال خود را به طریق زناشویی بگیرید".

مفهوم این آیه می رساند که در خواست ازدواج با مال صورت می پذیرد و معنی دیگری به جز لزوم مهر به مجرد عقد صحیح ندارد با اینکه این لزوم ثابت نخواهد شد مگر در صورت تاکید به امری از موکدات مهر. زیرا مهر قبل از تاکید در معرض سقوط کامل یا ناقص است. به این معنی گاهی قسمتی از آن در صورت طلاق و قبل از دخول ساقط می گردد و زمانی تمام و حتی بدون بذل سقوط می کند و آن وقتی است که جدایی زوجین به درخواست و یا از جانب زن صورت بگیرد و یا تمام مهر در مقابل بذل ساقط می گردد و آن وقتی است که مهر المسمی باشد که در این حال متعه بر مرد واجب می شود.

۲- دخول در ازدواج فاسد با مخالطت به شبهه: در این مورد ذمه مرد به وی نخواهد شد مگر آنرا اداء کند و یا زن از حق خودش صرف نظر کند اینک پس از مشخص شدن لزوم مهر به بررسی مهر از دیدگاه آیات و روایات می پردازیم (فان طبن لکم عن شیء و منه نفسا فکلوه هنیئا مرئیا) در آغاز برای حفظ حقوق زنان با صراحت دستور می دهد که باید تمام مهر را به آنان پرداخت کنند ولی در ذیل آیه برای احترام گذاردن به احساسات طرفین و محکم شدن پیوندهای قلبی و جلب عواطف می گوید (اگر زنان با رضایت کامل خواستند مقداری از مهر را ببخشند برای شما حلال و گوارا است). تادر محیط زندگی زناشویی تنها قانون و مقررات خشک حکومت نکند بلکه به موازات آن عاطفه و محبت نیز حکمفرماست (مکارم شیرازی، ۱۳۸۹).

۵- تصرف زوجه در مهریه از نظر فقها

اگر زن مهریه خود را به مالی کمتر یا بیشتر از آن ارزش دارد عوض یا با چیزی که از نظر جنس یا وصف آن مغایر باشد عوض کند آنگاه شوهر قبل از دخول او را طلاق دهد شوهر نمی تواند به نصف مهر المسمی رجوع کند زیرا نصف مهریه به واسطه طلاق به شوهر باز می گردد نه نصف عوض. چون این یک معاوضه جدید است و ارتباطی به شوهر و مهری که او تعیین نموده ندارد (جبل عاملی، ۱۳۸۵). همچنین تلف شدن مهریه و از بین رفتن مهریه از نظر شیعه بدین قرار است: اگر مهریه قبل از تسلیم به زن تلف شود و عامل اتلاف خود زن باشد همانند قبض مهر می باشد و در اینجا زوج مسئول پرداخت آن به زن نمی باشد. اما اگر اتلاف به فعل اجنبی باشد و زوجه مخیر است بین اینکه به اجنبی رجوع کند یا اینکه به زوج و اگر زن به شوهر رجوع کند مرد باید به اجنبی رجوع کند و اگر مهریه به فعل شوهر تلف شود شوهر ضامن مهریه می باشد در صورتی که مهریه مثلی باشد باید مثل آنرا به زوجه بدهد و در صورتی که قیمی باشد بنا بر قول اکثر فقها که قول اقوی است باید قیمت روز تلف را به زوجه بدهد (لطفی، ۱۳۹۱).

۶- حکم سقوط مهریه و زن ناشزه

همه فقها معتقدند هرگاه قبل از آمیزش زن مرتد شود یا اینکه زوجه به خاطر تنگدستی مرد یا به خاطر یکی از عیوب مجوز فسخ که در مرد وجود دارد عقد را فسخ کند. یا اینکه مرد به خاطر وجود یکی از عیوب مجوز فسخ که در زن وجود دارد عقد را فسخ کند و یا اینکه یکی از زوجین به خاطر خیار به بلوغ عقد را فسخ کند همچنین اگر زن قبل از آمیزش مرد را از دادن مهر بری کند یا اینکه مهر را به او هبه کند در این صورت زوجه مستحق هیچ مهری متعه ای نمی باشد (طوسی، ۱۳۹۱). اگر زن ناشزه گردد مثلا مهر او موجب باشد و بدون دلیل شرعی از تمکین و ایفاء وظایف زناشویی سرباز زند مهر او از بین نمی رود اما چون بدون دلیل امتناع ورزیده باعث می شود که حق نفقه نداشته باشد. یا زنی که شوهر دارد و زنا کند بر شوهر خود حرام نمی شود و اگر توبه نکند و بر عمل خود باقی باشد بهتر است که شوهر او را طلاق دهد ولی باید مهرش را بدهد. و طبق نظر فقها مهری را زن می گیرد خمس ندارد (مطهری، ۱۳۹۵). دیدگاه اهل تسنن در مورد عوامل سقوط مهریه همانند دیدگاه مشهور فقهای شیعه می باشد (المیباری، ۲۰۱۳).

۷- میزان مهریه در صورت فوت یکی از زوجین در نامزدی

میزان مهریه در صورت فوت زوج یا زوجه در دوران نامزدی که قانون تنصیف را بوجود می آورد و دلایل آن بدین شرح می باشد: گروهی بر این عقیده اند که چون در قانون تنصیف مهریه قبل از عمل زناشویی طبق ماده ۱۰۹۲ صرفاً در طلاق بوده و ذکر از فوت یکی از زوجین نشده است، کل مهریه به زوجه یا وراثت تعلق خواهد گرفت (امامی و صفایی، ۱۳۹۱) و قید نموده اند که مرگ یکی از زوجین

در دوران نامزدی تأثیری بر مهریه ندارد و تنصیف مهریه را تنها در طلاق بصورت یک قاعده استثنائی دانسته اند و با اشاره به نظر علما در تعلق کل مهر در فوت زوج^۱ بیان نموده اند که البته نظر برخی علما نیز در تنصیف بوده است و در ادامه مولفین با وجود جای اختلاف در حکم مساله، با قطعیت تعلق کل مهریه را به فوت زوجه نیز تسری داده اند (که البته خارج از عرف بوده و این امری است که در حیطه فتوای مراجع می باشد و نه نظر شخصی موکلین بدون اقامه ادله شرعی معتبر). نکته دیگر اینکه مالکیت زن به نصف متزلزل مهر منوط به دخول است و در واقع نفی نکته قبلی می باشد.

محقق قمی در جامع الشتات می فرماید: «مشهور کل مهر است، ولکن احادیث معتبره دلالت بر تنصیف دارد» (محقق قمی، ۱۳۰۳) صاحب جواهر با اشاره به روایات شش گانه صحیح در ارتباط با نظر مشهور علمای پیشین چنین می فرماید: «هیچ یک از روایات تاب این جمع را ندارد چون ناهماهنگی پیش می آید، به این بیان که وقتی روایت می گوید هر دو نصف می برند ظاهرش این است که هر دو نصف مهر را به سبب موت می برند و استقرار مهر کامل در هیچ یک نیست ولی شما می گوید زوجه به حسب وجوب الهی نصف می برد و زوج که نصف می برد به حسب وجوب المهر نیست بلکه نصفش به میراث برگشته است، پس روایت ناهماهنگ می شود. جواب دیگر این که همیشه مرد نصف نمی برد چون زنانی هستند که از شوهر سابق بچه دارند که این زوجها از زوجه ربع ارث می برند و زنانی که از شوهر سابق بچه دارند فرد نادر نیستند»

شاید در این خصوص بین تعدادی قلیلی از صاحب نظران و آن هم عمدتاً در مرگ شوهر اختلاف نظر باشد (که البته اختلاف نظر در مسائل شرعی حتی در زمان حیات پیامبر اکرم و امامان معصوم نیز وجود داشته است) ولی در قرآن کریم که قبل از نزول آن، ستمهای زیادی در حق زنان روا می شده است، پاسخ صریح و روشن طبق سوره های النساء و البقره به این موضوع ارائه گردیده است: «برای شما ازدواج با زنان دیگری جز اینان حلال گشته است و می توانید با اموال خود زنانی را جويا شوید و با ایشان ازدواج کنید و پاکدامن و از زنا خویشتن دار باشید. پس اگر با زنی از زنان ازدواج کردید و از او کام گرفتید، باید که مهریه او را بپردازید. و این واجبی است و بعد از تعیین مهریه، گناهی بر شما نیست در آنچه میان خود بر آن توافق می نمایید، بی گمان خداوند آگاه و حکیم می باشد» (نساء/۲۵-۲۴). «و اگر زنها را طلاق دهید پیش از آن که با آنها مباشرت کنید در صورتی که بر آنان مهر مقرر داشته اید بایستی نصف مهری را که معین نموده اید به آنها بدهید مگر آنکه آنها خود یا کسی که امر نکاح بدست اوست گذشت کنند و اگر در گذرند به تقوی و خدا پرستی نزدیک تر و فضیلت هایی که در نیکنویی به یکدیگر است فراموش مکنید و ...» (بقره/۲۳۷)

در روایتی از امام صادق (ع) نیز حکم این موضوع تبیین شده که در «مانحن فیه» از آن بطور صریح بعنوان امر منطبق بر ظاهر قرآن نام برده شده است. فضل بن عبدالملک و عبید بن زراره خدمت امام صادق (ع) عرض کردند: «چه می فرمایید در مورد مردی که با زنی ازدواج نموده و مهریه را نیز معین کرده ولی (قبل از دخول) می میرد؟ ایشان فرمودند: زن، مالک نصف مهریه بوده و از هر چیزی از زوج ارث می برد و اگر زن هم بمیرد، حکم همین است» (حرعاملی، ۱۳۹۵؛ و طوسی، ۱۳۹۱).

همچنین در کتاب وسایل الشیعه آمده است: به اسنادش از عبید بن زراره گفت: پرسیدم از ابا عبد... (علیه السلام) از زنی که شوهرش مرده و آمیزش صورت نگرفته است: «فرمود برای او میراث است و برعهده اش عده کامل است و اگر مهر معین شده پس نصف مهر برایش می باشد و اگر مهری برایش فرض نشده بود پس هیچ چیزی برای زن ثابت نمی باشد» (عظیم زاده اردبیلی، ۱۳۸۰). از طرفی ادله فقها بر جانبداری از نظریه تنصیف بدین شرح است:

الف) مطابق ایه شریفه «واتوا النساء صدقاتهن نحله» تکلیف شوهر به پرداخت تمام مهر موکول به نزدیکی است بنا براین در فرض عدم وقوع نزدیکی حکم به تعلق تمام مهریه به نفع زوجه بر خلاف آیه مذکور است.

ب) اخبار وارده بر تنصیف مهر کثیر و فراوان است و فقهای صدر اسلام به مفاد آن عمل کرده اند و اخبار وارده بر تعلق تمام مهر را باید برتقیه حمل نمود. زیرا این نظریه به اهل سنت و جماعت تعلق دارد.

شیخ حر عاملی که تعداد بیست و پنج روایت را در مساله مهر بیان داشته است می گوید: «دلالت همه این احادیث بر نصف مهر واضح و آشکار است. زیرا اولاً روایات مربوط به تنصیف مهر کثیر و روایات معارض با آن قلیل است. ثانیاً: راویان این روایات افراد پرهیز کار تر و موفق تر و تعدادشان نیز بیشتر است.

ثالثاً: حجیبت این روایات براین موضوع قوی، آشکار و صریح است. روایات قابل تاویل و قابل حمل بر استجاب است.

در خاتمه چنین میتوان نتیجه گیری کرد که حکم شرع و به موازات آن عقل و عرف در تعلق نصف مهریه در فوت هر یک از زوجین در بعد از تعیین مهر و قبل از عمل زناشویی همچون طلاق بوده، مخصوصاً در فوت زوجه و شاید برخی اختلاف نظرها در حالت فوت زوج بیشتر در جهت حمایت از زن بوده باشد.

^۱ رجوع شود به شرح لعمه

نتیجه گیری

خانواده اولین نهاد اجتماعی و پایه و اساس نهاد اجتماعی جامعه می باشد و هر قدر حقوق خانواده کاملتر و حقوق و تکالیف افراد آن مشخص شود به همان نسبت در حقوق جامعه و تک تک افراد آن تاثیر می گذارد جامعه سالم ابتدا از خانواده سالم شروع می شود. طی مباحث گذشته بیان شد یکی از نهادهای وضعی در شریعت اسلام که تحت حمایت قانون ایران نیز می باشد مهریه است که در حقوق غربی هاجیگاه و تعریفی نداشته و در سایر مکاتب نیز احکام متفاوت و حتی مغایر با مفاد حقوق اسلام حاکم است. با ظهور دین مقدس اسلام مهریه زن از یک کالای تجاری به نمادی از عشق و مهربانی تبدیل شد و از مهر با عنایینی مانند نحل و هبه و موهبتی از سوی خداوند به زن یاد شده است.

برخی از فقهای امامیه معتقدند که مهریه نمی تواند از مهرالسنه که معادل پانصد درهم است تجاوز کند و در صورت تجاوز به همان میزان باز می گردد و برخی دیگر مانند حضرت امام خمینی(ره) عدم تجاوز از مهر السنه را مستحب دانسته اند. افزایش مهریه آثار و تبعات منفی بی شماری در جامعه دارد از جمله کاهش رغبت جوانان به ازدواج و در بسیاری موارد حسن معاشرت و معاضدت را که طرفین موظف به آن هستند از بین می برد. همچنین هر روز بر تعداد مردانی که به علت عدم پرداخت مهریه راهی زندان می شود افزوده می شود و در نتیجه مشکلات فراوانی از جمله حضور زنان شوهردار خارج از احصان در جامعه افزایش تعداد زنان مطلقه و فرزندان طلاق که سرگردان بین پدر و مادر خواهند شد به دنبال خواهد داشت.

افزایش نامعقول مهریه سردرگمی و بی هدفی در بین آنان و نیز آثار منفی دیگر نظیر سوق دختران و پسران ضعیف الایمان به سوی فحشاء و به دنبال آن تخریب جامعه از معنویت و پاکی را ایجاد خواهد کرد. با توجه به تمام مشکلاتی که تعیین مهریه های سنگین در جامعه ایجاد می کند این که چرا قانون گذار و مسولان با توجه به مشکلاتی که مهریه سنگین ایجاد می کند چاره ای در این مورد نمی اندیشند و چرا حداقل و حداکثری برای مهریه قرار نمی دهند.

آنچه باید بدانیم این است که تعیین سقف برای مهریه به منزله دخالت دولت در امور خصوصی افراد محسوب نمی شود. بلکه این اقدام دولت گامی بزرگ در جهت کمک به معضل مهریه های سنگین است. اگر مهریه را به حال خود رها کنیم و سقفی برای آن تعیین نگردد صراحتاً کوتاهی دولت و حقوقدانان در این رابطه می تواند مطرح شود چرا که عدم تعیین سقف برای مهریه خود نوعی تشویق به افزایش مهر است. این در حالی است که در صورت اقتصادی منافع جامعه ی مسلمین، ولی فقیه با استفاده از قدرت والای خود حق تصمیم گیری درباره تغییر احکام را دارد و می تواند با توجه به افزایش روز افزون میزان مهریه و مشکلات بی شماری که در جامعه ایجاد می کند نصاب معینی را برای مهریه مشخص کند.

قابل ذکر است که هدیه بودن مهر با لزوم جلب رضایت زن یا اولیای او در تعیین مقدار آن و نیز الزام حقوقی مرد به پرداخت آن منافات ندارد، چه این الزام با کم و کیف آن از طرف خداوند (در نظام حقوق اسلام) یا از طرف عرف متوجه شوهر شده است. همچنین هدیه بودن مهر یا عدم پرداخت آن به صورت نقدی نیز سازگار است زیرا تعهد به پرداخت مطالبه هنگامی با رضایت طرف مقابل توأم باشد و تامین این جهت کافی است. از سوی دیگر ترتب برخی آثار و تامین کارکردهای آشکار و پنهان هم چون توزیع ثروت، مهر طلاق بالا بردن ضریب اطمینان خاطر زن در رویارویی با برخی حوادث ناخوشایند زندگی مشترک کاهش برخی تبعات ناشی از طلاق، جبران سهم الارث تامین هزینه های ناشی از تشریفات ازدواج و... خصوصاً در فرض زیادی والتزام عملی به پرداخت آن با هدیه بودن آن منافات ندارد. زیرا مهر هر چند در نظام حقوقی اسلام با هدف تامین غایانی از این سنخ تشریح نشده اما عرف متشرعان به عنوان مرجع تعیین مقدار و برخی ویژگی های آن می تواند با اعمال برخی سیاست ها در چهار چوب اختیارات خود از این مکان حقوقی در تحقق معنویات خویش و تامین غایات مورد نظر بهره پردازی کند.

هر چند البته در این مورد نیز هم چون سایر موارد افراط و تفریط هایی وجود دارد و گاهی رویه های سلیقه ای مخالف با مزاق شرع مبنای عمل مومنان قرار می گیرد اما در کلیت آن میان شرع و عرف انطباق وجود دارد.

اگر چه تا حدودی مهریه بسیار بالای می تواند موقتا حافظ زندگی مشترک باشد ولی اگر نیک بنگریم متوجه می شویم که همین مهر بالا می تواند اثر مخربی در زندگی داشته باشد باید عنوان نمود که خیلی از طلاق ها به دلیل مطالبه مهریه از سوی زن رخ داده است که در بسیاری از موارد به علت عدم تمکن مالی مرد در پرداخت مهر در فرض خوش بینانه "زوجین مجبور می شوند بالاجبار در میزان مهر با هم مصالحه نمایند. بنابراین کم یا زیاد بودن مهر اثری در ایجاد خوشبختی و تداوم زندگی ندارد. جهت تحصیل یک رویه واحد وثابت و یا بررسی های مختلف اجتماعی، اقتصادی، حقوقی و جامعه شناختی می توان میزان و مقدار مهر را طبق ضوابطی قانونمند و در چارچوب صحیح عرف مشخص کرد و به نوعی حداقل و حداکثری برای آن تعیین نمود و هر چند سال نیز مورد بازنگری قرار داد و همه ملزم باشند که بر اساس آن عمل نمایند و حداقل گستره توافق زوجین محدود به حداقل و حداکثر میزان مصوب گردد. از طرفی با تکلیف قانونی به دفاتر رسمی نسبت به ازدواج و طلاق در جهت ضمانت اجرای اعمال چنین ضابطه ای هنگام ثبت ازدواج و طلاق گام موثری برداشت.

قانونگذار در خصوص نهاد مهمی چون خانواده مستلزم توجه بیش تر ودقیق می باشد چرا که هر گونه تغییر و تحولی در قوانین موجود بدون پشتوانه های دقیق علمی و اخلاقی، اثرات مخربی در جامعه خواهد گذاشت.

در مقام نتیجه گیری از مطالب و موضوعات که مورد بررسی قرار گرفت می توان چنین عنوان کرد :

۱. در کلام فقها برای مهری، بیشتر از واژه ی صداق استفاده شده است به گونه ای که از کثرت این استعمال شدید بتوان با عنایت به ریشه لغوی آن چنین نتیجه گرفت که ملاک از تعیین مهر در عقد نکاح بیشتر جنبه معنوی که همانا «صدق و رغبت صادقانه ی مرد به زن» است مد نظر بوده است.

۲. با توجه به سابقه تاسیس نهاد مهر در دین اسلام و باعنایت به آیات وارده قرآن کریم در خصوص مهر و سیره پیامبر اکرم (ص) و امامان معصوم (ع) می توان گفت که هدف دین اسلام و قانون گذار از تعیین مهر در عقد نکاح جنبه های معنوی آن در کنار آثار مادی و اقتصادی مهر بوده و با تعبیر نحله و صداق در صدد ابعاد بخشی عمیق در روابط ایجاد ی بین زوجین بوده است و اصولا هدف از مهر را عطیه و بخشش و نشانه ای از محبت و مودت و پشتیبانی های شخصیتی و خانوادگی و اجتماعی لحاظ نظر قرارداده است.

۳. مساله مهر موضوع جدیدی نبوده و در ادوار ما قبل تاریخ به شکل خاص خود وجود داشته و بعدها در گذر زمان و با پیشرفت صنعت اقتصاد و ترقی اخلاق و حقوق و عرف به عنوان یک تاسیس در عقد نکاح رخ نمایانده است.

۴. با عنایت به هدف و فلسفه نکاح منقطع و آثار و احکام آن و مقایسه آن با نکاح دائم در می یابیم که ماهیت مهر در این نکاح نمی تواند چیزی جزء عوض در معاملات معوض باشد مهر در نکاح منقطع عوض بضع و استمتاع از زن محسوب می شود.

۵. اگرچه با توجه به شواهد فراوانی فقهی به نظر می رسد که مهر نقش عوض را ندارد و همینطور اهرم بازدارنده طلاق نیست بلکه هدیه ای شرعی با اهدافی معنوی از قبیل تکریم زوجه است. اما این هدیه در احکام مالی واقع شده و خواسته یا ناخواسته مهر ما به ازای بضع محسوب گردیده است. بررسی آثار و ویژگی های مختلف عقد نکاح و خود نهاد مهر از جمله حق حبس، موارد استقرار مهر وعامل و وجوب مهر المثل هم موید این نظر است.

نظر به این که بسیار به ندرت پیش می آید که شوهر مهر را نقدا به زن تسلیم نماید و زن هم به ندرت در ابتدای شروع زندگی تقاضای مهر می نماید و از طرفی پرداخت مهر نیز عندالمطالبه است با توجه به قول فقها و مهم تر از آن رویه های عملی محاکم دادگستری و بعضی قوانین موضوعه از جمله قانون نحوه اجرای مهر دینی بر ذمه شوهر و یا هر کس متعهد به پرداخت گردیده است می باشد به هر نحو مرد ضامن پرداخت آن محسوب می شود.

منابع و مراجع

- [۱] قرآن کریم
- [۲] ابن قدامه، عبدالله ابن احمد، ۱۴۰۹، المغنی، جلد ۱۰، قاهره: مکتبه هجر،
- [۳] ابن کثیر، اسماعیل ابن العمر، البدایه والنهایه، ج ۷، دمشق
- [۴] بدران، ابوالعینین، ۱۴۱۰، الفقه المقارن للأحوال الشخصیه، دار الهضه العربیه، ج ۱
- [۵] جبل عاملی، زین الدین، ۱۳۸۵، روضه البهیة فی شرح المعه دمشقیه، ترجمه دکتر اسداله لطفی، تهران: انتشارات مجد چاپ چهارم
- [۶] حر عاملی، شیخ محمد ابن الحسن، ۱۳۹۵، وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه، مرکز المصطفی (ص) العالمی
- [۷] زحیلی، وهبه، ۱۳۸۵، فقه خانواده در جهان معاصر، ترجمه عبدالعزیز سلیمی، چ دوم، تهران، احسان
- [۸] شبلی، ملعت، ۱۹۹۸، حقوق اسلامی و امور مالی، مقاله راسخون، لبنان
- [۹] صفایی، سیدحسین و امامی، اسداله، ۱۳۹۱، مختصر حقوق خانواده، تهران: نشر میزان
- [۱۰] طباطبایی، سید محمد حسین، ۱۳۸۶، تفسیر المیزان، ترجمه سیدمحمدباقر موسوی همدانی، قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، دفتر انتشارات اسلامی
- [۱۱] طبرسی، فضل بن حسن، ۱۳۸۸، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، تهران، انتشارات نور وحی
- [۱۲] طوسی، ابن جعفر محمد بن حسن، ۱۳۹۱، المیسوط فی فقه الامامیه، قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، دفتر انتشارات اسلامی
- [۱۳] عظیم زاده اردبیلی، فائزه، ۱۳۸۰، فقه و حقوق خانواده، مطالعه تطبیقی حقوق زنان از منظر اسلام و غرب (مبانی حقوق زنان) حق تامین اجتماعی و حق حیات، ناشر مرکز امور زنان و خانواده ریاست جمهوری
- [۱۴] لطفی، اسداله، ۱۳۹۱، ترجمه فارسی مباحث حقوقی شرح المعه، مجمع علمی و فرهنگی مجد
- [۱۵] متولی الموثی، احمد، ۱۳۸۵، مهریه و مهر السنه، مبحث مهر و فقه
- [۱۶] محقق قمی، میرزا ابوالقاسم، ۱۳۰۳، جامع الشتات
- [۱۷] مطهری، مرتضی، ۱۳۹۵، نظام حقوق زن در اسلام، قم «انتشارات صدرا»
- [۱۸] مکارم شیرازی، ناصر؛ محمدی، محمد؛ امامی، محمدجعفر؛ آشتیانی، محمدرضا؛ قرائتی، محسن؛ الهامی، داود؛ حسنی، عبدالرسول؛ ایمانی، اسدالله؛ شجاعی، سیدحسن؛ عبداللهی، محمود؛ طباطبایی، سیدنورالله؛ ۱۳۸۹، تفسیر نمونه: تفسیر و بررسی تازه ای درباره قرآن مجید با در نظر گرفتن نیازها، خواست ها، پرسش ها، مکتب ها و مسائل روز، تهران: دار الکتب الاسلامیه
- [۱۹] المیباری الفنانی، عبدالعزیز، ۲۰۱۳، فتح المبین، مصر، البیروت: موسسه الوفاء
- [۲۰] نجفی، شیخ محمد حسن، ۱۴۱۴، جواهر الکلام، بی تا، تهران، مکتب الاسلامیه
- [۲۱] هاشمی رفسنجانی، اکبر، ۱۳۸۳، تفسیر راهنما، قم، موسسه بوستان کتاب